

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۲۲

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در نظام آموزش عالی

دکتر سید حسین ابراهیمیان^۱

چکیده

در جهان پرشتاب امروز، پیشرفت‌های خیره‌کننده فناوری اطلاعات و توسعه روزافزون صنعت گردشگری که تحولات وسیعی را در مسیر جهانی شدن به جوامع تحمیل می‌کند و زندگی انسانی را هر روز به گونه‌ای در می‌نوردد؛ موجب شده که امروزه معنا و مفهوم مرزهای جغرافیایی و سیاسی کم‌رنگ گشته و مفهوم جدیدی تحت عنوان مرزهای فرهنگی پدیدار گردند که رویارویی و تعامل فرهنگ‌ها را بیش از گذشته مورد توجه و مذاقه قرار داده‌اند؛ که در صورت عدم تجهیز نظام مدیریت راهبردی فرهنگ ملی به ابزارهایی چون مهندسی فرهنگی در جهت بازشناسی و مواجهه با تهدیدها و فرصت‌های پیش رو، ضمن حذف وجوه ضعیف و ناکارآمد فرهنگ بومی، سایر اجزای مفید و کارآمد آن نیز در کوره ذوب جهانی سازی فرهنگ‌ها از بین خواهد رفت. با نظر گرفتن این مهم در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، فرهنگ را باید به گونه‌ای تعریف کرد که قابلیت برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و ارزیابی داشته باشد و در رصد عوامل شکل‌دهنده به فرهنگ، هویت فرد و جامعه به‌عنوان منشاء رشد و تعالی یا سقوط اجتماع انسانی یکی از گام‌های اساسی در مهندسی فرهنگی جامعه به حساب می‌آید.

۱. مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۳ و استادیار دانشگاه صنعت نفت.

در این میان نظام آموزش عالی کشور نیز به‌عنوان عقبه فکری و مغز متفکر مهندسی فرهنگی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

لذا هدف از نگارش این مقاله تبیین و تعریف مفهوم فرهنگ، مهندسی فرهنگی، اهمیت و ضرورت این مفاهیم به همراه آسیب‌شناسی فرهنگی در دانشگاه به‌عنوان مبداء تحولات می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مهندسی ۱، فرهنگ ۲، مهندسی فرهنگ ۳، آسیب‌شناسی ۴، دانشگاه ۵.

مقدمه

نظریه فرهنگ به رغم احیای دوباره آن در ایجاد الگویی متقاعدکننده در مورد اثرات علیّ فرهنگ، موفق نبوده است. "آن سوئیدلر" (۱۹۸۶) در مقاله‌ای نافذ از این بحث می‌کند که الگوی مسلطی که برای فهم آثار فرهنگ بر کنش به کار می‌رود، هنوز بر فرهنگ به‌عنوان ارزش تأکید می‌کند. سوئیدلر یادآور می‌شود که تنها اندکی از جامعه‌شناسان واقعاً به این الگوی شدیداً انتقاد شده "وبری - پارسونزی" که فرهنگ را به واسطه ارائه اهداف یا ارزش‌های غایی شکل دهنده کنش می‌داند، باور دارند. در حقیقت، اکنون اکثر نظریه‌پردازان پذیرفته‌اند که ارزش‌های فرهنگی (امری) اجتماعاً مورد مجادله است. (دیویدلف، ۱۹۷۳: ۵۵) زیرا فرهنگ از جمله مفاهیمی است که به راحتی تن به تعریف پذیری نمی‌دهد.

آنچه در نگاهی گذرا به عرصه فرهنگ در سطوح مختلف و حوزه‌های گوناگون وجود دارد، نشان‌دهنده این است که فرهنگ به‌عنوان زیربنای جامعه انسانی بر پایه مفروضات و اصول اساسی شکل می‌گیرد؛ و بر روی آن‌ها ارزش‌های فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد که در نهایت این ارزش‌ها به هنجار اجتماعی تبدیل شده و در قالب رفتار فردی و جمعی تبلور عینی می‌یابد. حساسیت مقام معظم رهبری نسبت به مقوله فرهنگ از بیانات ایشان همواره به خوبی ملموس و مشهود است و

مطالعات
فدورت موم
سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱
بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

1. Engineering
2. Culture
3. Engineering Culture
4. Pathology.
5. University
6. Ann Swidler

حکایت از اهمیت مسأله فرهنگ در آینده و سرنوشت جامعه اسلامی دارد. مدتی است که در تحلیل‌های فرهنگی، استفاده از واژهٔ مهندسی فرهنگی، به‌ویژه بعد از فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضاء شورای عالی انقلاب فرهنگی در نزد مدیران فرهنگی کشور رواج یافته است. مهندسی فرهنگی بر این پیش‌فرض اساسی مبتنی است که فرهنگ امری ثابت و لایتغیر نیست و می‌توان آن را به مرور و در طول زمان تغییر داد. «فرهنگ» میراث هزاران سال تلاش فکری، هنری و صنعتی نسل‌های گذشته یک ملت است. هر نسلی اندوخته‌های فرهنگی و تجارب زندگی خویش را با شیوه‌های گوناگون به نسل بعدی منتقل می‌سازد، نسل بعد نیز اندوخته‌های خود را بر آن می‌افزاید و آن را به نسل پس از خویش انتقال می‌دهد. (رضایی، ۱۳۸۱: ۲۲)

در این میان، بهره‌گیری از تجارب سه دهه گذشته نظام جمهوری اسلامی ایران، متناسب با جایگاه جدید کشور در عرصه معادلات جهانی از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. به‌طور حتم همکاری مراکز مختلف دانشگاهی و پژوهشی کشور به‌عنوان پشتوانه فکری برای ترسیم ابعاد مختلف طرح مهندسی فرهنگی و رصد جریان‌های نوظهور و بالقوه در عرصه داخلی و جهانی و اجرای دقیق نقشه مهندسی فرهنگی از سوی دستگاه‌های مختلف اجرایی کشور اعم از دولتی و غیر دولتی و همکاری و همیاری قوای مقننه و قضائیه دستیابی به اهداف ترسیم شده را ممکن می‌نماید. در صورت طراحی و اجرای صحیح، دقیق و همه‌جانبه نقشه مهندسی فرهنگی در پایان سند چشم‌انداز بیست ساله، در کنار ایران اسلامی که جایگاه اول در حوزه‌های اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه را خواهد داشت، می‌توانیم جامعه‌ای مبتنی بر اصول انسانی و اخلاقی، سرزنده و با نشاط، منسجم و مستحکم در برابر نفوذ فرهنگی بیگانه و به دور از بحران‌های اخلاقی جوامع غربی داشت. (ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۳۰)

بیان مسأله:

فرهنگ یک سیستم است که دارای انواع و اجزائی است. به مهندسی فرهنگ

می‌بایست به‌عنوان یک مهندسی سیستم نگریسته شود. فرهنگ یک جامعه، اساس هویت آن جامعه است. فرهنگ دارای انواعی است و در مهندسی فرهنگ همه این انواع فرهنگ باید مهندسی شوند. عاملی که یک ملت را به رکود و خمودی، یا تحرک و ایستادگی، یا صبر و حوصله یا پرخاشگری و بی‌حوصلگی یا اظهار ذلت در مقابل دیگران، یا احساس غرور و عزت در مقابل دیگران به تحرک و فعالیت تولیدی یا به بیگاری و خمودی تحریک می‌کند. فرهنگ به‌عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آن‌ها حاکم است. (کدیور، ۱۳۷۶: ۵۰) تغییرات فرهنگی جریان مداومی است که دولت‌ها فقط در جهت‌دهی آن می‌توانند مؤثر باشند. این جهت‌دهی با برنامه‌ریزی ممکن خواهد بود و نباید این برنامه‌ها دستخوش سلیقه‌های سیاسی افراد و گروه‌ها شوند.

ایده مهندسی فرهنگی به معنی نهادینه کردن فرهنگ در همه ارکان توسعه کشور مشابه همان رویکرد یونسکو در دهه جهانی فرهنگ است که: «فرهنگ باید پایه همه اشکال توسعه باشد. پس توسعه پایدار و متوازن در همه جوانب ممکن نخواهد بود، مگر این‌که پذیرش عمومی، مشارکت و همراهی مردم مناطق در جریان تدوین برنامه‌های توسعه و به‌خصوص برنامه توسعه فرهنگی لحاظ شود».

مسئله مردم به‌عنوان صاحبان و مروجان فرهنگ به نسل‌های بعدی بهترین شرکای مدیریت نظام فرهنگی و اجرای برنامه‌های توسعه فرهنگی می‌توانند باشند. البته این بهترین مدل برای هرگونه مهندسی در عرصه فرهنگی است که بر پایه آن دولت فقط حامی، ناظر و سیاستگذار است و مردم مروج، مجری و اداره‌کننده؛ چیزی که روح کلی برنامه‌های توسعه و مبتنی بر چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور نیز هست.

از نظر نباید دور داشت که این برنامه‌ها باید چنان جامع تهیه گردند که رویکرد چشم‌انداز ۲۰ ساله را تأمین کنند. یعنی اگر قرار است ایران به مقام اول در توسعه فرهنگی در منطقه برسد، باید این مدیریت و برنامه‌ریزی قدرت رقابت با محصولات فرهنگی کشورهای قدرتمند، و حتی بیشتر از آن را داشته باشد تا بتواند در منطقه الگو و مدار تحولات فرهنگی قرار گیرد. برنامه‌ریزی فرهنگی بدون توجه

مطالعات

قدرت مردم

سال دوم

شماره پنجم

بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

به تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مؤثر نخواهد بود و از طرف دیگر نیز سبقت فرهنگی باید در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که تلاش برای مهندسی فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی ضروری است، این سلسله سؤالات مطرح می‌گردد:

در این مسیر اولین گام آسیب‌شناسی فرهنگی خواهد بود، زیرا مهندسی فرهنگی نیازمند شناخت دقیق وضعیت موجود فرهنگی جامعه و رصد و ارزیابی آن خواهد بود. باید آسیب‌شناسی فرهنگی در عرصه‌های فرهنگ عمومی، اجتماعی، اداری و اجرایی، نظام برنامه‌ریزی، نظام نظارت و ارزیابی صورت گیرد. از آنجا که در حال حاضر شاهد فقدان استراتژی روشن و دقیق فرهنگی بین نهادهای فرهنگی هستیم و تعدد سازمان‌ها و نهادها نیز در مباحث مهندسی فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد، در واقع یکی از اهداف مهندسی فرهنگی ارتقاء همگرایی بین نهادهای فرهنگی و ایجاد پل ارتباطی بین نهادها به منظور افزایش هماهنگی‌های لازم است. چنانچه فرهنگ مجموعه از ارزش‌ها، اعتقادات، باورها و عادات در یک جامعه است و افراد در یک فرایند طولانی آن را کسب می‌کنند و یا اگر فرهنگ امری سیل است چگونه می‌توان آن را مهندسی کرد؟ با توجه به برداشت فوق از فرهنگ، آیا این مقوله مدیریت‌پذیر است؟ چنانچه پاسخ مثبت است چه چالش‌هایی فرا روی آن قرار دارد؟ مبانی نظری برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، مشکلات و چالش‌های کنونی به‌ویژه در دانشگاه که مبدأ همه تحولات است چه می‌باشد؟

اهمیت و ضرورت موضوع

جامعه اسلامی ایران جامعه‌ای است که فرهنگ سالم و صحیح اسلامی و انسانی در تمامی مراتب و روابط اجتماعی آن همواره از محوریت ویژه‌ای برخوردار است به همین دلیل یکی از دغدغه‌های مهم و مورد توجه مسئولان نظام، اندیشمندان و متفکران و محققان جامعه اسلامی بوده است. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۸) اهمیت فرهنگ و تأثیر آن بر جامعه بر آگاهان به مسائل اجتماعی و انسانی هرگز پوشیده نیست، بلکه حتی امروزه با توجه به این‌که بسیاری از مصائب و

معضلات به بار آمده در جهان معاصر بنا بر تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده از سوی محققان و پژوهشگران علوم مختلف انسانی منبعث از در حاشیه قرار گرفتن حقیقتی به نام فرهنگ بوده است، شاهد تولد و رشد گسترده و سریع یک رویکرد کاملاً نوین به مسائل فرهنگی در جوامع گوناگون هستیم و این حکایت از این حقیقت دارد که انسان به‌عنوان یک موجود اجتماعی متعالی در جهت رشد و شکوفائی و نیل به آرامش روحی و روانی و بسامان شدن امور مختلف اجتماعی خود همواره به حقیقتی نیازمند است که به فرموده مقام معظم رهبری نامش "فرهنگ" است. مقام معظم رهبری در بخشی از بیانات مهم خود در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۳، پرداختن به مهندسی فرهنگی کشور را یکی از تکالیف مهم مسئولان نظام جمهوری اسلامی برشمردند و تأکید کردند: بی‌گمان در سایه وجود یک مدیریت راهبردی فرهنگی از حجم بسیاری از دغدغه‌ها و کاستی‌های احتمالی فرهنگی جامعه اسلامی به‌عنوان جامعه‌ای که در مسیر پویائی و رشد روزافزون در حال حرکت است اندک اندک کاسته و مسیر رشد و تعالی همه‌جانبه در پرتو یک توسعه فرهنگی مطلوب هموارتر خواهد شد. اگر معترف باشیم به این حقیقت که در جامعه اسلامی اصل و محور، فرهنگ، اخلاق و اصول اسلامی و انسانی می‌باشد در آن صورت بی‌گمان باید بپذیریم که توسعه فرهنگی مهمترین نیاز خواهد بود که به‌عنوان اولین عامل تأثیرگذار بر دیگر زمینه‌های اجتماعی در جامعه اسلامی می‌توان از آن یاد کرد.

مدیریت راهبردی فرهنگی از نگاه مقام معظم رهبری از چنان اهمیتی برخوردار است که لاجرم باید برای انجام آن عالی‌ترین مرجع سیاستگذاری کلان فرهنگی جامعه یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی آستین همت بالا زند.

لذا فرهنگ کشور در مجموع به یک نظم و جهت‌گیری و جهت‌یابی و انسجام بخش‌های گوناگون دولتی و غیردولتی در باب فرهنگ احتیاج دارد، و در این جاست که این مقوله می‌تواند تأمین شود. نه در کمیسیون دولت، نه در کمیسیون مجلس و نه در هیچ جای دیگر. این مقصود عملی نیست. بنابراین جایگاه شورا کاملاً بی‌بدیل است. شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان قرارگاه اصلی برای "مهندسی

مطالعات

قصدورت موم

سال دوم /

شماره پنجم /

بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

فرهنگی کشور“ ابتدا باید “نقشه مهندسی فرهنگی کشور“ را تهیه نماید. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹)

فرهنگ (تاریخچه، مفاهیم و تعاریف):

انسان‌شناسان و مردم‌شناسان بر اساس فسیل‌های به دست آمده، به دو نوع موجودیت انسانی پی برده‌اند. یکی شبه انسان که اندام را داشته ولی چون وسائل فرهنگی با آن فسیل‌ها یافت نشده آن را «شبه انسان» نامیده‌اند و دیگری فسیل‌هایی که کشف آن‌ها با آثار فرهنگی همراه بوده و آن را «انسان» نامیده‌اند و می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرهنگ سبب انسان شدن انسان می‌شود.

ساختن انسان توسط خود به وسیله ایجاد فرهنگ را می‌توان به عنوان یک فرآیند در نظر گرفت که در طی زمان این حرکت را ادامه داده است و برحسب شرایط موجودی زمانی و مکانی خود، این فرهنگ‌ها را شکل داده است تا بتواند خود را بر جهان مادی و معنوی تطبیق دهد. انسان‌ها فرهنگ را برای تطبیق زندگی خود با شرایط جهانی و طبیعی به وجود می‌آورند که به دلیل اختلاف این جهان‌ها و این طبیعت‌ها، فرهنگ‌ها نیز هرگز یکی نخواهند شد. در باب پست مدرنیسم، دو نظریه وجود دارد که یکی بیان می‌کند که تشابهات فرهنگ‌ها در جهان تا آن حد زیاد می‌شود که دنیا شبیه یک شهر کوچک و بلکه شبیه یک دهکده با تشابهات فرهنگی زیاد خواهد شد. و نظر دومی این است که هرگز اختلافات فرهنگی از صحنه دنیا از بین نخواهد رفت. ایجاد کنندگان نظریه دهکده جهانی که در رأس آن آمریکا است با قوم‌مداری خود در صدد هستند تا کلیه ارزش‌های جهانی را براساس قومیت و ارزش امریکایی تعریف و جا بیاندازند. (عالمی، ۱۳۸۶: ۱۳۹)

فرهنگ از ابتدای پیدایش، مفهومی متحد و مشخص نداشته، اما ظاهراً از اواخر قرن ۱۸ در مطالعاتی مستشرقین و تاریخ‌دانان در باب تمدن جوامع داشته‌اند، این مفهوم شکل گرفته و ظاهر شده است.

واژه فرهنگ که به عنوان ترجمه “culture” از فرانسه عاریت گرفته شده، در قرون وسطی به معنای پرستش مذهبی بوده و سپس به معنای پاشیدن بذر در زمین، به

کار فته و سر انجام در قرن ۱۸، در مفهوم تربیت روح به کار گرفته شد. در این دوران در اروپا از جمله آلمان - واژه فرهنگ در معنای بیان تکامل در پیشرفت به کار می‌رفت. (گرامی، ۱۳۸۶: ۱۲)

در تحولات بعدی در اروپای قاره‌ای و به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، جامعه‌شناسی فرانسه شروع به رشد کرد و واژه فرهنگ را از جامعه‌شناسی آمریکا به عاریت گرفت. به این ترتیب واژه فرهنگ (کولتور) ابتدا از فرانسه گرفته شده، سپس به آلمانی ترجمه شد، سپس از آن‌جا به دنیای "آنگلو ساکسون" پا گذاشت و دوباره به فرانسه بازگشت و در هر بار، نوعی تغییر و معنی جدید و رشته‌ای مفاهیم به آن اضافه شد تا به شکل امروزی در آمد. اکنون چنین به نظر می‌رسد که بیشتر مردم‌شناسان آمریکایی با توصیفی که هر سکوتیس در مورد فرهنگ بیان می‌کند، اساساً موافقت داشته باشند او معتقد بود: "فرهنگ یاد گرفتنی است."

"فرهنگ ناشی از عوامل زیست‌شناختی، محیط زیستی، روان‌شناختی و تاریخ بشر است." "فرهنگ ساختاری است." "فرهنگ، پویا (و متحول) است." "فرهنگ، تغییرپذیر است." "فرهنگ شامل قواعدی است که تجزیه و تحلیل آن را به روش‌های علمی ممکن می‌سازد." فرهنگ از لحاظ لغوی در زبان انگلیسی به مفهوم حیوانات و به عمل آوردن محصولات زراعی بود. فرهنگ در زبان فارسی از ریشه فرهنگ در پهلوی به معنای آگاهی و تعلیم و تعلم است. فرهنگ در فارسی به معنای فرهیختن یعنی آموزش و پرورش است. (ستاری، ۱۳۸۳: ۲۲)

قبل از هر گونه مهندسی فرهنگی سؤال اساسی این است که آیا فرهنگ یک کلیت است یا خیر، چنانچه یک کل نیست و جزء است این بدین معناست که باید فرهنگ گذشته خود را از حال منفک سازیم. آنچه ما در حال حاضر با آن مواجهیم فرهنگ نیست بلکه یک صنعت است، منابع و بودجه و بعد نهادهایی را در نظر می‌گیریم تا آن‌را اجرا نماییم؛ سؤال در این‌جا این است که آیا مناسبات میان نهادها به یک شیوه فرهنگی منجر می‌شود؟

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: شورای انقلاب فرهنگی آن مرکز مهندسی و حراست‌کننده‌ای است که مورد نظر ماست. این شورا احتیاج به دو چیز

اساسی دارد: اول عقبه علمی و فکری؛ دوم خط مقدم اجرایی که عقبه فکری اش همان جایی است که باید مطالعه و کارهای علمی صورت گیرد. (مالینوفسکی، ۱۳۷۹: ۴۰) به طور خلاصه این که مقوله فرهنگ با این تحولات و هویت وجودی و ارتباط با شرایط موجود جهان طبیعت. مورد توجه متفکران واقع شده است و متفکران سعی کرده اند تا با مفهوم سازی و تعریف کردن و تعیین هویت و تحرکات آن و کیفیت این تحرکات، به یک معنا برسند که همین اندیشه متفکران نیز سبب رواج فرهنگ های خاص شده است.

فرهنگ از نگاه سیستمی از سه لایه تشکیل می شود که عبارتند از: لایه بنیادی (مفروضات اساسی، باورها و جهان بینی)؛ لایه میانی (ارزش ها)؛ لایه بیرونی (خط زبان، آداب، نمادها و رفتارهاست) در هر لایه عناصری هستند که این عناصر در تعامل با یکدیگر قرار می گیرند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱) به طور کلی می توان دیدگاه های مختلف درباره فرهنگ را به ۵ دیدگاه تقسیم کرد.

۱. دیدگاه مارکسیستی یا دیدگاه تضادگرایان

این دیدگاه، فرهنگ را روبنایی می داند که بر اساس اقتصاد بنا شده و روابط اقتصادی، تعیین کننده نوع فرهنگ می باشد. پس برای برنامه ریزی فرهنگی بایستی رویکردی به برنامه ریزی اقتصادی داشت و کاری به روینا، یعنی خود فرهنگ نداشته باشیم. این دیدگاه از رنگ و بوی انسانی تهی می باشد و سبب می شود که برای فرهنگ برنامه ریزی مکانیکی انجام گیرد.

۲. دیدگاه تکامل گرایان

این دیدگاه که از قرن نوزدهم به وجود آمد، هنوز قوت خویش را در تحلیل مسائل علوم اجتماعی چه جامعه شناسی و چه مردم شناسی داراست. این دیدگاه همه چیز را در حال حرکت و تحول می بیند و گاهی این تحول را در جهت کامل شدن می داند که این کامل شدن بر حسب ارزش ها معنا می شود و از این جاست که برچسب ارزش گرایی به این تئوری خورده می شود. سایپر، مایرس و رادیلکف براون از متفکران و اندیشمندان این دیدگاه می باشند.

۳. دیدگاه ساختی

این دیدگاه برخاسته از مطالعه جوامع ابتدایی بسته‌ای است که کلیه نهادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... همه در یک حالت تعامل با یکدیگر می‌باشند و لی بعداً در جوامع سرمایه‌داری مدرن که دارای حالتی منظم و سیستماتیک می‌باشد دارای قدرت تحلیل و تبیین می‌شود، درباره فرهنگ نیز این دیدگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تعریف‌ها تکیه بر الگوسازی و یا سازمان فرهنگ است. ویلی آگبرن و نیمکف از متفکران و اندیشمندان این دیدگاه می‌باشند.

۴. دیدگاه کارکردگرایی

این دیدگاه باز از همان دو جامعه قبلی به وجود آمده است. یکی جوامع ابتدایی، دوم جوامع مدرن و علت آن این بوده است که چون در این جوامع نظام کلی دارای ثبات کاملی هستند و هر جزء دارای کارکرد مناسب کل نظام و سیستم می‌باشد پس چنین نتیجه گرفته شده که در این نظام‌ها ما می‌توانیم به کارکرد اشیاء پی‌برده و جای کارکرد آن‌را پیدا کرد. اساساً این مکتب مخالف ایجاد هر نوع انقلاب و جهت‌دهی در یک جامعه می‌باشد. البته بایستی گفت از این مکتب می‌توان در بعضی از امور جزئی همانند مدیریت خرد در سطح جوامع جهان سوم استفاده کرد. اسمال و داوسن از متفکران و اندیشمندان این دیدگاه می‌باشند.

مطالعات

تقدیرت موم

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

۵. دیدگاه عوام‌گرایی فرهنگی

این دیدگاه با مقدس شمردن سنت بازمانده از ماقبل سعی در حفظ وضعیت موجود فرهنگی در جامعه می‌کند همچنین به عناصر موجود که بازمانده از قبل است اصالت می‌دهد و هرگونه تغییری را نمی‌خواهد بپذیرد و یا مخالفت با آنان در صدد از بین بردن و محو کردن آن از صحنه فرهنگی جامعه است. این دیدگاه برخاسته از مردم‌شناسی کلاسیک بود که برای اصالت دادن به کار خود به عناصر فرهنگی و روابط بین آن عناصر در جوامع مورد مطالعه خود تقدس بخشیدند. تایلر متفکر و اندیشمند این دیدگاه می‌باشند.

انواع و اجزای فرهنگ

شناخت و مهندسی فرهنگ، مستلزم توجه به انواع و اجزای آن است. در کشاورزی، مهندسی و مدیریتی که در مورد گیاه صورت می‌پذیرد، متوجه انواع و اجزای آن است. فرهنگ نیز در انواع و اجزاء آن قابل شناخت و مهندسی و مدیریت است. بنابراین در مهندسی فرهنگ باید انواع فرهنگ را در اجزاء آن مهندسی نمود؛ بدین ترتیب که انواع فرهنگ را در وضعیت‌های آرمانی، موجود، مطلوب (هدف) بر اساس اجزاء آن مشخص نمود. بدین ترتیب می‌توان گفت که فرهنگ دارای دو لایه اساسی است: ۱. مظاهر و ظواهر فرهنگ؛ ۲. اصول و بواطن فرهنگ. البته هر یک از این دو لایه یا دو جزء اصلی نیز مشتمل بر اجزاء متعدد دیگری است. لازم به ذکر است که در مهندسی سیستم فرهنگ هم اجزاء فرعی و هم اجزاء اصلی باید در جای خود و در نقش و وظیفه خود قرار گرفته و در تعامل با یکدیگر در نظر گرفته شوند. برای فرهنگ انواع مختلفی ذکر شده و مبانی متفاوتی نیز برای این تقسیم‌بندی‌ها بیان گردیده است. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها بر مبنای دامنه شمولیت زمانی و جامعه تحت پوشش محیط فرهنگی صورت پذیرفته است. در این تقسیم‌بندی، انواع فرهنگ عبارت است از: فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی، فرهنگ سازمانی. (امینی، ۱۳۸۵)

انواع فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری انواع فرهنگ را بدین صورت مورد اشاره قرار داده‌اند:

۱. فرهنگ ملی:

عاملی را که یک ملت به رکود و خمودی یا تحرک و ایستادگی، صبر و حوصله یا پرخاشگری و بی‌حوصلگی، اظهار ذلت در مقابل دیگران یا احساس غرور و عزت در مقابل دیگران، به تحرک و فعالیت تولیدی یا به بی‌کارگی و خمودی تحریک می‌کند، فرهنگ ملی است. فرهنگ با همین تعریف ویژه محصول تعریف جمعی از یک جامعه است که خود مؤثر در همه حرکات و تحولات تشکیل دهنده هویت یک جامعه است.

۲. فرهنگ عمومی :

در داخل کشور آنچه در فرهنگ عمومی ما ضعیف است، یا جایش کم است؛ عبارتند از: انضباط، اعتماد به نفس ملی، اعتزاز ملی، قانون‌پذیری، غیرت ملی، فرهنگ ازدواج، فرهنگ رانندگی، فرهنگ خانواده، فرهنگ اداره و فرهنگ لباس.

۳- فرهنگ تخصصی :

فرهنگی که باید در تولید، خدمات، ساختمان‌سازی، کشاورزی، صنعت، سیاست خارجی و تصمیمات امنیتی رعایت شود.

۴- فرهنگ سازمانی:

فرهنگ اداره (رشوه بگیریم یا نگیریم، با رشوه‌گیر چه کار کنیم، کار مردم را چگونه راه بیندازیم)

در تعریف فرهنگ چنان‌که مقام معظم رهبری فرموده‌اند باید سعی شود از افراط و تفریط پرهیز شود. یعنی نه فرهنگ را یک کل باز و گسترده به وسعت جامعه بدانیم که مدیریت‌پذیر نیست و نه با تعریفی محدود و مضیق آن را سیستمی مکانیکی و بسته بدانیم. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲) "ریموند ویلیامز" در کتاب کلید واژه‌ها معتقد است که مفاهیم فرهنگ در سه نوع کاربرد رایج انعکاس یافته است.

- تعاریفی که اشاره به رشد فکری، روحی و زیباشناختی فرد، گروه یا جامعه دارند.
- تعاریفی که دربرگیرنده فعالیت‌های ذهنی و هنری و محصولات آن‌ها مثل فیلم، موسیقی و تئاتر است.

- تعاریفی که بر مشخص کردن کل راه و رسم زندگی و فعالیت‌ها، باورها و آداب و رسوم تداومی از مردم، یا یک جامعه تأکید دارد.

کروبر و کلوکهون که مردم‌شناس هستند در کتاب خود با عنوان تعریف استنادی از فرهنگ و معانی و مفاهیم آن، تعاریف زیادی از فرهنگ را گردآوری کردند و موفق شدند همه این تعاریف را در شش درک اصلی از فرهنگ دسته‌بندی نمایند

که عبارتند از:

۱. تعاریف توصیفی؛ ۲. تعاریف تاریخی؛ ۳. تعاریف هنجاری؛ ۴. تعاریف روان‌شناختی؛ ۵. تعاریف ساختاری؛ ۶. تعاریف ژنتیکی.

حدود پانصد تعریف از فرهنگ بیان شده است که این تعاریف و برداشت‌های متعدد و مختلف از فرهنگ خود می‌تواند ریشه برخی از نابسامانی موجود در عرصه‌های سیاست‌گذاری و اجرایی، و نیز جامعه باشد. این تعاریف از ابعاد و جوانب مختلفی قابل دسته‌بندی است، همچون: ۱. ارزشی، دانشی؛ ۲. هنری، عرفانی، علمی و تکنولوژیک؛ ۳. فکری، ارزشی، هنجاری.

”گی روشه“ با الهام از تعریف دورکیم از واقعیت اجتماعی، فرهنگ را «مجموعه به هم پیوسته‌ای از شیوه‌های تفکر، احساس (هیجان) و عمل دانسته است که توسط تعداد زیادی افراد فراگرفته می‌شود و بین آن‌ها مشترک است».

از دید تایلور فرهنگ یا تمدن، کلیت در هم تنیده‌ای است مشتمل بر: دانش، هنر، دین، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هر گونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد از دیدگاه دیکسون (۱۹۲۹) فرهنگ عبارت است از:

الف) مجموعه تمامی کارکردها رسوم و باورها؛ ب) مجموعه فرآورده‌ها و کارکردها، نظام دینی و اجتماعی، رسوم و باورهای یک قوم که بیشتر آن‌ها را تمدن می‌نامیم.

بندیکت (۱۹۲۹) نیز معتقد است که فرهنگ کلیت در هم افتاده از تمام عادت‌هایی است که آدمی را همچون عضوی از جامعه فرا می‌گیرند. از دیدگاه هیلر (۱۹۲۹) باورها، نظام‌های فکری، فنون علمی، راه و روش‌های زندگی، رسوم و سنت‌ها و تمامی شیوه‌های کردار که جامعه بدان سازمان می‌بخشد، فرهنگ نامیده می‌شود. ”مالینوفسکی“ (۱۹۴۶) فرهنگ را «شیوه زندگی» می‌داند. او نیز فرهنگ را عبارت از کلیت یکپارچه‌ای شامل ویژگی‌هایی اساسی گروه‌های اجتماعی گوناگون، پیشینه‌ها، باورها، رسم و رسوم بشری می‌داند و به موجب نظر ”کلاکن و کلی“ (۱۹۴۶) فرهنگ به شکل توصیفی به معنی گنجینه انباشته از آفرینندگی بشر

است: کتاب‌ها، نقاشی‌ها، بناها و مانند آن و نیز دانش هماهنگ کردن خود با محیط انسانی و طبیعی؛ همچنین زبان، رسوم، نظام آداب، فضیلت‌های اخلاقی، دین و احکام شایست و نا شایست که با گذشت روزگاران پدید آمده است.

”هرسکوویتس“ (۱۹۴۸) فرهنگ را در اساس بنایی می‌داند که بیانگر تمامی باورها، رفتارها، ارزش‌ها و خواسته‌هایی می‌باشد که شیوه زندگی هر ملت را بازگو می‌نماید. فرهنگ عبارت است از هر آنچه یک ملت دارد، هر کاری که می‌کند و هر آنچه می‌اندیشد و از دیدگاه ”سایپر“ (۱۹۲۱)، فرهنگ یعنی مجموعه به هم پیوسته‌ای از کردارها و باورها که از طریق جامعه به ارث رسیده و بافت زندگی ما را می‌سازد. بوس (۱۹۲۹) معتقد است که فرهنگ را می‌توان شامل رفتارهایی دانست که در میان گروهی از انسان‌ها مشترک است و از نسلی به نسلی و از کشوری به کشوری راه یافتنی است.

اگر تعریف مالینوسکی را با تعریف دورکیم از واقعیت اجتماعی و تعریف فرهنگ از گی‌روشه مقایسه کنیم، می‌توان گفت: زندگی عبارت است از ادراک، هیجان و عمل و فرهنگ شیوه زندگی یا شیوه ادراک، هیجان و عمل. و چون حیطه‌های روانی انسان شناخت عاطفه و عمل است؛ زندگی همان فعالیت‌های روانی انسان یعنی فعالیت‌های ادراکی، فعالیت‌های عاطفی و فعالیت‌های ارادی می‌باشد و فرهنگ، شیوه زندگی یا شیوه ادراک، هیجان و عمل و یا شیوه فعالیت‌های روانی انسان است.

مع الوصف تعریفی که به‌عنوان مبانی نظری فرهنگ در حال حاضر از طرف اکثر محافل آکادمیک در جهان پذیرفته شده به نظر می‌رسد تعریفی باشد که تایلور (۱۸۷۱) مردم‌شناس معروف انگلیسی و استاد دانشگاه آکسفورد در کتاب دو جلدی فرهنگ بدوی ارائه داده است. تایلور معتقد است که «فرهنگ مجموعه‌ای به هم پیوسته از شناخت‌ها، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، سنت‌ها، اخلاقیات، قوانین، هنرها، دانش‌ها، آیین‌ها، اعمال و عقاید است». (تیلور، ۱۸۷۱) اما تعریفی از فرهنگ که مبنای عملی و کار فرهنگی باشد همان تعریفی است که یونسکو در کنفرانس تدابیر فرهنگی در مکزیک به سال ۱۹۸۲ از فرهنگ ارائه کرد، بدین ترتیب که:

مطالعات

تقدیرت موم

سال دوم

شماره پنجم

بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

«فرهنگ مجموعه‌ای تمام از خصوصیات معنوی، مادی، فکری و عاطفی است که جامعه یا گروه اجتماعی را متمایز می‌سازد. نه تنها در برگرفته هنر و ادبیات است بلکه شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام‌های ارزش، سنت‌ها و باورها را هم در برمی‌گیرد». در کنار این‌ها لازم است تعریفی را که مقام معظم رهبری از فرهنگ در رمضان سال ۱۳۷۹ در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه نمودند یادآوری کنم. ایشان فرمودند که «فرهنگ یعنی اعتقادات و خلیات، فرهنگ عمومی هم از اعتقادات و خلیات نشأت می‌گیرد یعنی بحث انضباط، نشاط، همکاری و مشارکت، احساس توانایی و اقتدار و سایر مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در صورتی که از اعتقادات و خلیات نشأت بگیرند فرهنگ عمومی‌ای که ترسیم می‌شود متفاوت از فرهنگی است که از مادیات و ثروت و جاه و مقام نشأت می‌گیرد»^۱. (روحانی، ۱۳۸۷)

مهندسی و مهندسی فرهنگ

مهندسی الکترونیک، مهندسی متالورژی، مهندسی صنایع، مهندسی مکانیک، مهندسی پزشکی و ... از این عبارات در دانشگاه‌های ما زیاد استفاده می‌شود، اما مهندسی اصلاً چه چیزی هست که تا بر سر رشته‌ای می‌رود معنی متفاوتی به آن می‌دهد.

مهندسی به طور کلی یعنی این که یک سوژه را طرح کنید و به آن شکل دهید. منظمش کنید، بعد آن را برای سایر موارد مشابه، تعمیم بدهید.

تاکنون بارها واژه مهندسی را در کاربردهای عامیانه و تخصصی شنیده‌ایم. گام اول در آشنایی و انجام مهندسی فرهنگی، آشنایی با مفهوم و تعریف مهندسی است. مجمع اعتباری مهندسی و تکنولوژی^۲ که یکی از وظایف آن تعریف و یکسان‌سازی واژه‌های مهندسی است، مهندسی را به صورت زیر تعریف می‌کند:^۳

۱.

2. The Accreditation Board For Engineering and Technology

۳.

«مهندسی»^۱، مجموعه مهارت‌هایی است که با استفاده از معلومات ریاضی و علوم طبیعی و در اثر مطالعه، تمرین و تکرار حاصل شده‌اند و ما را به بهره‌گیری اقتصادی‌تر از مواد اولیه و منابع طبیعی در جهت منافع انسانی رهنمون می‌کنند. چنانچه مشاهده می‌شود، حیطة وسیعی در این تعریف جای می‌گیرند و به‌طور کلی می‌توان گفت که هدف نهایی کمک به زندگی بهتر و راحت‌تر برای همه انسان‌هاست. با توجه به تعاریف فوق مهندسی فرهنگی را می‌شود چنین تعریف نمود: «مهندسی فرهنگی فعالیت‌هایی را در برمی‌گیرد که با طراحی، اجرا، پیاده‌سازی، نظارت و بهبود سیستم‌های یکپارچه‌ای از انسان^۲، اطلاعات (information)، مواد (material) و تجهیزات (instrument) مرتبط می‌باشد. این فعالیت‌ها بر پایه دانش تخصصی در علوم انسانی، اجتماعی، ریاضی، فرهنگی و قوانین و روش‌های تجزیه و تحلیل و طراحی بنا شده است تا به کمک آن‌ها به ارزیابی نتایج حاصل از سیستم‌های یکپارچه فرهنگی بپردازد».

براساس این تعریف، نگاه ما به فرهنگ یک نگاه راهبردی و سیستماتیک است که اجزای آن اعم از اجزاء مادی و معنوی بر همدیگر تأثیر متقابل دارند. از منظر مهندس فرهنگ یکی از عناصر مهم در ارزیابی استراتژی هر بخشی تاثیرات و پیامدهای فرهنگی آن است و بر این باور است که چنانچه الگوی فرهنگی خاصی مطلوب است، باید در طراحی استراتژی کلان و بخش‌های مبتنی و معطوف بر آن الگو اقدام گردد. مهندسی همیشه بر مبنای اصول اثبات شده قدیمی پیش رفته است. آجرهای نو، روی آجرهای قبلی گذاشته می‌شود. در یک سیستم مهندسی درست و اصولی نمی‌توان تمام اصول بدیهی قبلی را زیر پا گذاشت و خراب کرد و بعد همه چیز را از ابتدا ساخت.

اگر فرهنگ را سوژه‌ای بدانیم که قابلیت کار مهندسی دارد، پس باید همه چیزهایی را که در مباحث فوق به آن اشاره شد، درباره‌اش قابل اجرا بدانیم. یعنی قبول کنیم فرهنگ قابلیت طراحی، تعمیم، شکل‌گیری و نظم یافتن دارد. همین‌طور

1. Engineering
2. human

باید دانست مواردی در فرهنگ عمیق ما مثل مذهب، وطن‌دوستی، کیان خانواده، امانتداری، احترام به بزرگترها، مهمان‌نوازی و... پایه اثبات شده این مهندسی است و آنچه قرار است به بهانه مهندسی فرهنگی انجام بگیرد، تلفیق مذهب و ملیت با مقتضیات روز است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹)

ارائه تعریفی جامع از مهندسی فرهنگی و تبیین تمامی ابعاد مهندسی به مجال و مقال مشبعی نیازمند است اما با قدری تسامح می‌توان مهندسی را به مفهوم برقراری کارکرد مؤلفه‌های یک سیستم و روابط و تعامل میان این مؤلفه‌ها دانست به نحوی که کارکرد و یا رفتار مطلوبی را در سیستم فراهم کند. با این تعبیر، کاربرد مهندسی در بسیاری از عرصه‌های مادی و غیرمادی می‌تواند وجاهت داشته و بلکه موضوع جدی علمی، پژوهشی و اجرایی در آن عرصه تلقی گردد. (اداره کل پژوهش‌های سیما، ۱۳۸۷: ۲۷)

بنابراین، مهندسی فرهنگ عبارت است از طراحی، نوسازی و بازسازی سیستم فرهنگ و در نهایت نظریه‌پردازی. مهندسی به‌عنوان یک علم عبارت از: علم تدوین و تنظیم سامانه به همراه تمامی ملزومات مطرح از قبیل نظام‌های تحلیل، طراحی، پیاده‌سازی، عملیاتی، کنترل کمی، کیفی، سنجه‌ها، نظارت و غیره جهت کاربردی ساختن حوزه‌ای از دانش به انضمام علوم تربیتی وابسته در جامعه مورد نظر، با هدف تغییر رفتار (پاسخ) های جاری و گذار به شرایط مطلوب (دانلوی، ۱۹۹۱: ۶۵).

مهندسی فرهنگ عبارت از تدوین و تهیه نقشه و طرح جامع و کاملی برای ساماندهی چهار زیر سیستم نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی کشور. مهندسی فرهنگ یعنی یک فرهنگ زلال ناب که به شکل مطلوبی درباره آن نظریه‌پردازی شده است.

آسیب‌شناسی فرهنگی

آسیب‌شناسی (پاتولوژی) و آسیب‌زدایی یا آسیب‌ناپذیری (ایمنولوژی) واژه‌هایی هستند که از علم زیست‌شناسی به عاریت گرفته شده‌اند. آسیب‌شناسی یعنی شناسایی ناهنجاری‌ها در یک سیستم سالم و آسیب‌زدایی به معنای رفع ناهنجاری

به وجود آمده و تضمین سلامت سیستم. با آسیب‌شناسی فرهنگی ناهنجاری‌هایی که در نظام سالم فرهنگی به وجود می‌آید را شناسایی و قبل از این که کل نظام را مورد تهدید قرار دهد نسبت به آسیب‌زدایی برنامه‌ریزی کنیم.

تأثیرپذیری و ضربه‌ناپذیری دانشگاه در مقابل هر اقدام، یا عاملی که موجب تقلیل توانایی‌های دانشگاه در تحقق اهداف، رسالت‌ها و کارکردهای مثبت آن می‌شود را می‌توان آسیب‌پذیری دانشگاه نامید.

مهندس فرهنگی نیازمند شناخت دقیق وضعیت موجود فرهنگی جامعه است. به منظور شناخت وضعیت موجود فرهنگی فعل و انفعالات فرهنگی در جامعه مورد رصد و ارزیابی قرار می‌گیرند. یکی از طرق شناخت وضعیت موجود فرهنگی، آسیب‌شناسی فرهنگی است. (فاضلی، ۱۳۷۷: ۱۹۸)

تعیین و تبیین دقیق آن بخش از آسیب‌پذیری‌های عمده فرهنگی - اجتماعی که در ارتباط با دانشگاه ظهور و تأمل در کم و کیف تحولات رایج فرهنگی - اجتماعی کشور است. علاوه بر آن برخورداری از ذهنیتی کافی نسبت به دانشگاه مطلوب همچنین طبیعت عادی و سالم دانشگاه راه‌گشای تبیین آسیب‌پذیری‌ها خواهد بود. ضرورت آسیب‌شناسی مهندسی فرهنگی دانشگاه‌ها

ضرورت‌های بنیادین ذیل، پرداختن به آسیب‌پذیری‌های مهندسی فرهنگی دانشگاه را به‌عنوان یک اولویت حیاتی در دستور کار شورای فرهنگی - اجتماعی آموزش عالی کشور قرار داده است [۲۹]:

— شأن ویژه دانشگاه در تولید اندیشه، تعلیم و تربیت و رهبری حرکت فرهنگ جامعه.

— ضعف نهادهای مدنی در ایران و کار ویژه دانشگاه در جبران نسبی این خلاء.

— بازیابی نقش منحصر به فرد دانشگاه در سیاست‌گذاری فرهنگی - اجتماعی کشور.

— توجه به اهمیت تاریخی دانشگاه‌های ایران در عرصه‌های فرهنگی - اجتماعی و تفاوت نقش‌ها و کارکردهای فرهنگی آن با سایر مجموعه‌های تأثیرگذار.

— تمرکز نخبگان فکری- فرهنگی در دانشگاه.

— جایگاه جوانان در تحولات فرهنگی- اجتماعی کشور، ساختار جوان دانشگاه و سهم عمده جوانان در ترکیب جمعیت کشور.

— بروز گرایش‌ها و روندهای جدید فرهنگی در جامعه و دانشگاه و افزایش حساسیت قشرهای دانشگاهی در مسائل اجتماعی- فرهنگی.

— لزوم تحلیل آسیب‌پذیری‌ها به منظور تبیین درست راه‌کارها و شیوه‌های مشارکت فرهنگی- اجتماعی دانشگاهیان در توسعه کشور.

— لزوم توجه به نقش خرده فرهنگ‌ها در شکل‌گیری سیاست فرهنگی و به تبع آن برنامه‌های فرهنگی- اجتماعی دانشگاه‌ها.

— لزوم توجه هم‌زمان به آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات در کنار فرصت‌ها و مقدرات به منظور نیل به راه‌بردها و برنامه‌های جامع فرهنگی- اجتماعی.

دو دیدگاه عمده در مورد آسیب‌پذیری مهندسی فرهنگی دانشگاه به‌طور کلی دو دیدگاه عمده در زمینه آسیب‌پذیری‌های مهندسی فرهنگی دانشگاه وجود دارد:

— دیدگاهی که خود دانشگاه را کانون آسیب‌زا می‌داند.

— دیدگاهی که معتقد است به دلیل ماهیت دانشگاه و فضای نقادانه و آزاد آن، آسیب‌پذیری‌های فرهنگی- اجتماعی در عرصه دانشگاه امکان ظهور و بروز سریع‌تری می‌یابند زیرا دانشگاه میزان الحراره‌ای جامعه است.

آسیب‌های فرهنگی- اجتماعی

در نظام آموزشی کشور اعم از مدارس و دانشگاه‌ها صرفاً به حفظ و انتقال تعاریف و مفاهیم اکتفا می‌شود و هیچ‌گونه تلاشی جهت ایجاد روحیه خلاقیت و نوآوری و تولید مفاهیم و یا حداقل مشارکت در تولید مفاهیم صورت نمی‌پذیرد و شیوه ارزشیابی و ارزش‌گذاری معلومات نیز صرفاً مبتنی بر محفوظات و انتقال آنهاست، مانند آنچه در انواع کنکورها اتفاق می‌افتد. از این‌رو تولید اندیشه و فکر در جامعه تقریباً تعطیل گشته و با وارد کردن انواع اصطلاحات سیاسی و علمی و

مکاتب فلسفی به فرهنگ خود، نظام تقلید و مصرف در فرهنگ، تفکر و اندیشه دایر شده است. لذا موارد ذیل را می‌توان جزء آسیب‌های فرهنگی برشمرد که عبارتند از:

عدم جلب مشارکت همه متفکران و فرهیختگان کشور و عدم بهره‌برداری از مجموع توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فکری و فرهنگی جامعه برای برنامه‌ریزی و فرهنگی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی به دلیل برخوردهای حزبی و جناحی. مهاجرت سالانه بخشی از متخصصان کشور و کاسته شدن از توانمندی‌های علمی جامعه (فرار مغزها)

تهاجم گسترده فرهنگی غرب که توسط رسانه‌های جهانی و با کمک فناوری‌های جدید تا زوایای خانواده‌های ایرانی نفوذ می‌کند.

رواج علم‌زدگی و مدرک‌گرایی نزد دانشجویان و روشنفکران که حاکی از سطحی بودن اطلاعات و معلومات علمی و فقدان روحیه خلاقیت و نوآوری است. مورد حمله قرار گرفتن ارزش‌های دینی و سنت‌های فرهنگی تحت عناوین روشنفکری و علم‌باوری.

جدایی و گسیختگی فکری حوزه و دانشگاه که موجب شده است تعارض‌ها و تضادهای نگرشی و گرایشی این دو بخش علمی و فرهنگی جامعه درباره موضوعات خطیر فرهنگی و اقتصادی برطرف نگردد و به بحران‌ها و چالش‌های فرهنگی و اقتصادی جامعه بیش از پیش دامن بزنند.

جامعه از نظر علمی و تکنولوژیک تسلیم و مقهور غرب است و تلاش سازمان یافته‌ای به جز در فناوری‌های انرژی هسته‌ای و چند بخش دیگر جهت بومی کردن علم و فناوری آن‌طور که شاید و باید صورت نمی‌پذیرد.

رواج فرهنگ اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی در جامعه به‌ویژه میان برخی مسئولان و صاحب‌منصبان.

فروپاشی بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و تبدیل شدن ناهنجاری‌های رفتاری به هنجاری‌های فرهنگی.

فقدان مطالعات و پژوهش‌های هدفمند برای تعریف هویت فرهنگی و تاریخی

خود و اکتفا به آنچه تحت عنوان شرق‌شناسی درباره فرهنگ ایران ترویج شده است.

رواج بی‌مبالاتی در رفتار دخترها و پسرها و حتی روابط جنسی میان آن‌ها که موجب آسیب‌های عاطفی، روانی و حتی فیزیکی می‌شود. شیوع روزافزون اعتیاد به انواع مواد مخدر در جامعه به‌ویژه میان جوانان که آسیب‌های جبران‌ناپذیر فرهنگی و اجتماعی در پی دارد. تعارض میان ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی بومی از یک سو و ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی مهاجم غرب از سوی دیگر در دانشگاه و آثار و پیامدهای این تعارضات فرهنگی برای کشور. (بقائی‌پور، ۱۳۸۵: ۶۴)

آسیب‌های اداری و اجرایی

هراس و فرار از نقد شدن و انتقادپذیری مسؤولان و مدیران کشور. سیاست‌زدگی فرهنگ و استفاده از فرهنگ به‌عنوان ابزاری برای نیل به اهداف سیاسی و جناحی در جامعه به‌ویژه در دانشگاه. تبدیل شدن فرصت‌ها و امکانات و تجهیزات ارتباطی نوین همچون ماهواره، اینترنت، ویدیو به ابزار تهدید، تهاجم و بحران فرهنگی به دلیل عدم شناخت، فقدان برنامه و سوء مدیریت فرهنگی. عدم تربیت مدیران فرهنگی شایسته و لایق برای عهده‌داری برنامه‌ریزی و اجرای امور فرهنگی. عدم امکان ارتباط دو سویه مسؤولان دانشگاه با دانشجویان و کاهش اعتماد دانشجویان به آنان. تناقص بین گفتار و رفتار و عدم انطباق قول و عمل برخی از مسؤولان و صاحب‌منصبان که به بی‌اعتمادی مردم به دولتمردان و بی‌اثر ماندن سیاست‌های فرهنگی انجامیده است. گسترش تصدی‌گری دولت در امور فرهنگی که موجب بازماندن دولت از تدوین به موقع راه‌بردها و سیاست‌های فرهنگی شده است.

عدم توجه به روش‌ها و اسلوب‌های اجرای برنامه‌های فرهنگی و ظرایف ترویج اخلاق و ارزش‌های اسلامی.

کم‌توجهی به پژوهش‌های کاربردی در امر برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های فرهنگی.

عدم هماهنگی میان دستگاه‌های فرهنگی و فقدان متولی واحد برای برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها و هماهنگ کردن آن‌ها. (بقائنی پور، ۱۳۸۵: ۶۶)

زمینه‌ها و مصادیق اساسی آسیب‌ها، زمینه‌ها و مصادیق درونی:

— عدم رشد متناسب آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و اعتقادی دانشجویان و استادان در نتیجه کاهش تعهد به ارزش‌های مشترک، اعتقاد به نفس و خودباوری.

— عدم دستیابی آسان دانشجویان به الگوهای عملی و جذاب دینی در محیط دانشگاه و وجود تفسیرهای سلیقه‌ای از مبانی دینی.

— کاهش کیفیت آموزش‌ها به دلیل مشکلات گوناگون اداری، اجرایی، مالی و عدم تناسب رشد امکانات و ظرفیت‌ها با رشد مأموریت‌ها و وظایف و افزایش کمی دانشجویان.

— کمبود امکانات، فضاها و بودجه فرهنگی دانشگاه‌ها.

— انعطاف‌ناپذیری نظام اداری و عدم هم‌پایی با فضای فرهنگی دانشگاه و نیازهای جدید.

— کاهش نشاط فعالیت و سرزندگی در دانشجویان و استادان به دلیل مشکلات معیشتی و اجتماعی.

— وجود برخی تعارضات و عدم انسجام در سطح تصمیم‌گیری و مدیریت فرهنگی در دانشگاه‌ها.

زمینه‌ها و مصادیق بیرونی:

— عدم شناخت کافی و جامع دانشگاه و ویژگی‌ها و حساسیت‌های آن توسط اکثر مسئولین و سیاست‌گذاران.

— توقعات روزافزون حکومت و مردم از دانشگاه، به صورتی غیر متناسب با

مطالعات

فدورت موم

سال دوم

شماره پنجم

بهار ۱۳۹۱

مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

۱۴۲

میزان سرمایه‌گذاری مادی و معنوی.

- برخورد سطحی، قشری و همراه با سوءظن با دانشگاه و مسائل دانشگاه.
- کاهش معنویت در سطح جامعه و به تبع آن دانشگاه و از طرفی ضعف روزآمد کردن اندیشه‌ها و معارف دینی و ترجمه آن‌ها به زبان دانشجو.
- لحاظ نکردن دانشگاه به میزان یک کل به هم بافته و عدم توجه به رابطه تنگاتنگ مسایل اقتصادی و فرهنگی توسط سیاست‌گذاران.
- ضعف در مشارکت دانشگاهیان در تصمیم‌سازی‌ها به‌ویژه تصمیمات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و پائین آمدن شأن اجتماعی دانشگاه‌ها.

آسیب‌پذیری‌های عمده مهندسی فرهنگی دانشگاه عبارتند از:

- ۱- آسیب‌پذیری‌های تحمیل شده از طرف گروه‌های افراطی که جهت‌گیری‌های خاص دارند.
- ۲- افراط و تفریط در رویه‌های نهادهای فرهنگی درون دانشگاه.
- ۳- تلاش نیروها برای القای صف‌بندی‌های تصنعی.
- ۴- سوء استفاده از تشتت و تفرق در نظام تصمیم‌گیری در دانشگاه.
- ۵- سوء استفاده از اختلاف نظرها.
- ۶- عدم تمکین از نهادها و رویه‌های قانونی.

— در تدوین آسیب‌پذیری‌ها، چنانچه جنبه‌های نظری و مشکلات و مسائل فعلی دانشگاه‌ها با هم ملاحظه شوند راه‌گشای تبیین دقیق خواهند بود.

— از نظر پزشکی، آسیب عامل خارجی است که وارد بدن می‌شود و ایجاد اختلال در وضع عادی و طبیعی بدن می‌کند. تعریف آسیب و رسیدن به نقطه مشترک مهم است زیرا آن وقت معلوم می‌شود مسائل و مشکلات فعلی دانشگاه‌ها خودزنی است یا آسیب؟

— راه نجات از آسیب‌های فعلی دانشگاه؛ حاکمیت قوانین و مقررات، از بین رفتن حالت تعدد در تصمیم‌گیری‌ها و عدم دخالت افراد غیر مسئول در مسائل اجرایی دانشگاه و تبیین دقیق وظایف شورای فرهنگی و جا افتادن این شورا است.

در آسیب‌شناسی مهندسی فرهنگی دانشگاه‌ها وزن اصلی به دانشجویان داده شده و به مسائل صنفی و سیاسی و فرهنگی استادان کم رنگ‌تر پرداخته شده است. به رغم این‌که در عبارات بحث آسیب‌شناسی فضای عمومی دانشگاه مورد نظر بوده است به علت نقش الگویی استادان لحن عبارات باید به صراحت نزدیک‌تر شود.

لذا برنامه‌ریزی فرهنگ باید از ورود به بخش محتوایی و مضامین فرهنگ پرهیز کند و تأکید خود را بر توسعه کالاهای فرهنگی و افزایش تولید و مصرف کالاهای فرهنگی بگذارد. مفهومی که شاید بتوان گفت تا اندازه‌ای از دیدگاه توسعه فرهنگی نشأت می‌گیرد، و در مقابل دیدگاه دیگر معتقد است هدف برنامه‌ریزی فرهنگی اتخاذ تدابیر و سیاست‌های معطوف به محتوای فرهنگ است و هدف این تدابیر هم تقویت ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت، مطلوب و آرمانی و خارج کردن نقاط منفی و غیرآرمانی از صحنه نظام فرهنگی است. (یونسکو، ۱۳۷۶: ۳۳)

نتیجه‌گیری

در مقوله فرهنگ، رفتار حکومت باید دلسوزانه و مثل رفتار باغبان باشد. باغبان به هنگام نهال می‌کارد، به هنگام آبیاری می‌کند، به هنگام هرس می‌کند، به هنگام سمپاشی می‌کند، به هنگام هم میوه‌چینی. باید فضای فرهنگی کشور را باغبانی کرد. برای باغ با فنون مهندسی کشاورزی، نقشه مهندسی تهیه کرد، یعنی مسئولانه و با دقت این مقوله را دنبال کرد.

فرهنگ و تغییرات فرهنگی جریان مداومی است که چه برای آن برنامه‌ریزی کنیم و چه نکنیم این جریان به سرعت تحولات و دگرگونی‌های جهانی شدن را طی مسیر می‌کند، اما دولت‌ها (به‌خصوص در یک نظام عقیدتی) نمی‌توانند در جهت‌دهی به آن بی‌توجه باشند. این جهت‌دهی با برنامه‌ریزی ممکن خواهد بود و نباید این برنامه‌ها دستخوش سلیقه افراد و گروه‌های سیاسی شود.

با توجه به چشم‌انداز بیست ساله کشور و برنامه چهارم توسعه به‌عنوان برنامه اول در برنامه‌های دستیابی به اهداف چشم‌انداز، حوزه فرهنگ نیز پس

از آسیب‌شناسی باید تابع برنامه‌ریزی شود. در این میان مهندسی فرهنگ ابزار کارآمدی برای برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی می‌تواند باشد. اما پرواضح است که تنها موضوعاتی قابل مهندسی خواهند بود که مصادیق آن قابل شناسایی و احصاء بوده و به نوعی ملموس شوند.

از اولین گام‌های برنامه‌ریزی فرهنگی تدوین شاخص‌ها یا نشانگرهایی است که بتوان بر مبنای آن‌ها وضع موجود را شناسایی کرد و سپس اقدام به طراحی و اتخاذ ساز و کارهای لازم برای جهت‌گیری‌های فرهنگی نمود. این شاخص‌ها در حوزه به کارگیری علم (science) در مدیریت فرهنگی جنبه عینی و عملیاتی پیدا می‌کنند. در فلسفه علم نیز کمیت‌پذیری و به کارگیری زبان ریاضی و ارقام تردیدناپذیر است. البته نباید به صورت فراگیر این نظر را در حوزه فرهنگ وارد نمود، زیرا همه پدیده‌ها و رفتارهای فرهنگی قابلیت سنجش‌پذیری و اندازه‌گیری ندارند.

از آن‌جا که ایده مهندسی فرهنگی، به معنی نهادینه کردن فرهنگ در همه ارکان نظام، مشابه همان رویکرد یونسکو در دهه جهانی فرهنگ است که: فرهنگ باید پایه همه اشکال توسعه باشد، نباید و نمی‌توان در نگاه به پیامدهای سیستم فرهنگی (تأثیر بر باورها و اندیشه‌ها)، آن را منفصل از تأثیرات دیگر نظام‌های کشور (اقتصادی، سیاسی و...) دید. به علاوه توسعه پایدار و متوازن در همه جوانب ممکن نخواهد بود، مگر این‌که پذیرش عمومی، مشارکت و همراهی مردم آن منطقه (منطقه‌ای که پروژه توسعه در آن اجرا می‌شود) در جریان تدوین برنامه توسعه‌ای لحاظ شود، یعنی اول باید فرهنگ منطقه پذیرای توسعه شود تا پروژه توسعه‌ای ممکن گردد. از سوی دیگر با توجه به چشم‌انداز بیست ساله که تأکید دارد ایران باید به مقام اول در توسعه فرهنگی نیز برسد، و با توجه به نیاز روزافزون بشر گرفتار توسعه تکنولوژیک و مظاهر آن، به حفظ فرهنگ و هویت خود، باید این مدیریت فرهنگی چنان قدرتمند شود که بتواند در منطقه الگو شود.

مسئله مردم به‌عنوان صاحبان و مروجان فرهنگ به نسل‌های بعدی بهترین شرکای مدیریت نظام فرهنگی و اجرای برنامه‌های توسعه فرهنگی می‌توانند باشند. البته این بهترین مدل برای هرگونه مهندسی در عرصه فرهنگی است که بر پایه آن

دولت حامی، ناظر و سیاست‌گذار است و مردم مروج و مجری و اداره‌کننده، چیزی که روح کلی برنامه‌های توسعه و مبتنی بر چشم‌انداز بیست ساله کشور نیز هست. نهایتاً با اجرای مهندسی فرهنگی باید شاهد اتفاقات زیر در حوزه فرهنگی کشور باشیم:

اعتلای معرفت دینی و درونی‌شدن و ارتقاء ارزش‌های فرهنگ دینی و ملی و انقلاب اسلامی در همه ابعاد در دانشگاه‌ها مورد تأکید قرار گیرد.

نهادهای و دستگاه‌های فرهنگی کشور ساماندهی و هماهنگ گردند. مصونیت فرهنگی جامعه به‌ویژه نسل جوان به‌عنوان جهت‌گیری اصلی سیاست‌های فرهنگی کشور تلقی شده و در این راستا ارتقاء ایمان و ارزش‌های معنوی و اخلاقی، زمینه‌ساز مناسب برای شکوفایی معرفت و خلاقیت‌های علمی، پژوهشی، فرهنگی و هنری مدنظر قرار گیرد.

در جهت شناساندن فرهنگ و ارزش‌های والای اسلام، ایران و انقلاب اسلامی به جهانیان تمهیدات لازم فراهم و بر شناخت فرهنگ سایر ملل و بهره‌گیری از جنبه‌های مثبت آن‌ها تأکید گردد.

بر تحکیم وحدت و همبستگی ملی ضمن احترام به آداب و رسوم و فرهنگ‌های محلی تأکید گردد.

فرهنگ مشارکت عمومی با تأکید بر اصل حقوق شهروندی و مسئولیت اجتماعی ارتقاء و گسترش یابد.

مع‌هذا، رئوس راه‌کارهای مقابله با آسیب‌پذیری‌های مهندسی فرهنگی اجتماعی دانشگاه‌ها عبارتند از:

ساماندهی و تغییر نگرش‌های مهندسی فرهنگی متناسب با شأن دانشگاه. تأکید بر حفظ آرمان‌ها و انتقال ارزش‌ها به منظور جلوگیری از گسست فرهنگی بین نسل اول و دوم و سوم.

ساماندهی نظام اطلاعات فرهنگی دانشگاه‌ها و تهیه گزارش سالانه و وضعیت فرهنگی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی.

توجه و اهتمام ویژه به حل مسائل و مشکلات معیشتی و فرهنگی دانشجویان

مطالعات

فقدورت موم

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

دختر با توجه به افزایش جمعیت این دانشجویان.
تأکید بر مشارکت دانشگاهیان در روند تکوین برنامه.
ایجاد محیط آزاد به منظور تحقق شکوفایی فکری و خلاقیت و نقد.
قانونمند کردن مشارکت فعال دانشجویان.

منابع:

- اداره کل پژوهش‌های سیما، مصاحبه سید ابراهیم ابراهیم .
- اقبال، اسماعیل (۱۳۸۶). نقد و بررسی سیاست‌های فرهنگی ایران سه دهه پس از انقلاب اسلامی.
- امینی، حامی (۱۳۸۵). «مهندسی فرهنگ، نگاه سیستمی، بررسی الگوریتم و مدل پیشنهادی»، مجموعه مقالات سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- بقائی پور، کسری و محبوبه رمضان‌نژاد (۱۳۸۵). «آسیب‌شناسی مهندسی فرهنگی دانشگاه‌ها»، همایش مهندسی فرهنگی.
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع اعضای شورای انقلاب فرهنگی سال ۱۳۸۲.
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع اعضای شورای انقلاب فرهنگی سال ۱۳۸۳.
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی سال ۱۳۸۱.
- بیانات مقام معظم رهبری، رمضان سال ۱۳۷۹؛ در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۱). «مبانی برنامه‌ریزی فرهنگی»، فصلنامه شورای فرهنگ عمومی، شماره ۳۳.
- دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی (۱۳۷۵). «برنامه‌ریزی فرهنگی: مراحل اساسی، تمهیدات نظری و مقدمات عملی، فرهنگ عمومی»، شماره ۷.
- دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی (۱۳۷۶). «مصوبات شورای فرهنگ عمومی، از آغاز تا پایان دوره سوم»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۱). «جایگاه دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی و دامنه تأثیرگذاری آن»، فصلنامه شورای فرهنگ عمومی، شماره ۳۳.

مطالعات

قصدورت موم

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

- روحانی، حسن (۱۳۸۷). «مهندسی فرهنگی: از تئوری تا عمل»، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۴.
- ستاری، جلال (۱۳۸۳). هویت ملی و هویت فرهنگی، تهران، نشر مرکز.
- سیاست فرهنگی و الگوی ارائه گزارش در فعالیتهای فرهنگی (۱۳۷۸) معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انتشارات باز.
- سید ابراهیم ابراهیمی - بایسته‌های مهندسی فرهنگی. ۱۳۸۵ - همایش مهندسی فرهنگی
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۸). «اصول، اهداف، مبانی، منبها و خط مشی سیاست فرهنگی».
- شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۹، «آیین‌نامه هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی».
- شیرکوند، شهرام (۱۳۷۸). «اختیارات ولی فقیه (پژوهش در لزوم وجود ولایت فقیه در حکومت اسلامی)»، همایش سیاست و حکومت اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
- طرح ساماندهی امور فرهنگی (۱۳۸۰)، «تعیین معیارهای تفکیک و مدیریت فعالیتهای فرهنگی»، آرشیو گزارش‌های کتابخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عالمی، مسعود (۱۳۸۶). «جایگاه ابزارهای سیاست‌گذاری در مهندسی فرهنگی کشور»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۵.
- عبدالعلی رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۱). «جایگاه دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی و دامنه تأثیرگذاری آن»، شورای فرهنگ عمومی، شماره ۳۳.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۷۷)، «آسیب‌شناسی مردم‌شناسی در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۰.
- کدیور، محسن (۱۳۷۶). نظریه دولت در فقه شیعه (اندیشه سیاسی در اسلام)، تهران، نشر نی.
- گرامی، غلامحسین و میثم شریف اصفهانی (۱۳۸۶). «مهندسی فرهنگی، بایسته‌ها و راه‌بردها»، ماهنامه معارف، شماره ۲۵.
- مالیونوفسکی، برونسلاو (۱۳۷۹). نظریه‌های علمی درباره فرهنگ، ترجمه عبدالمجید زرین قلم، نشر گام.
- یونسکو، فرهنگ و توسعه (۱۳۷۶). ترجمه نعمت‌الله فاضلی و محمد فاضلی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

Dunleavy, p.(1991) Democracy, Bureavcracy and Public choice: Economic5 Explanations in Political Science, Hemel Hompstead: Harvester Wheatsheaf.

www.ianculture.org

Dunleavy, p.(1991) Democracy, Bureaucracy and Public choice: Economic5
Explanations in Political Science, Hemel Homestead: Harvester Wheatsheaf

Davidoff, P. and Reiner, T. A(1973), "A choice theory of planning", in6 499 rep),
Oxford: pergamon.1Faludi A. (ed) A Reader in planning Theory)

Archive of SID

مطالعات

مؤرخه

سال دوم / شماره پنجم / بهار ۱۳۹۱

بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در...

۱۵۰

www.SID.ir